



امام حسین(ع) و کربلا در تصویر پردازی های تشبیهی بولس سلامه

نرگس انصاری

دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، ادبیات علوم انسانی، زبان ادبیات عربی، قزوین، ایران.

رضادادجوی اسکندر

دبیرعربی، آموزش و پرورش هر تهران، منطقه ۱۹: کارشناسی ارشد زبان ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

فاطمه یوسف دخت

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

تصویر شعری از پرکاربردترین اصطلاحات در نقد ادبی به شمار می رود و یکی از مباحث اصلی زیباشناسی در کلام محسوب می شود که از دیرباز توجه ادیبان را به خود جلب کرده است. این فن، نوعی خلاقیت ادبی محسوب می شود که شاعر و نویسنده به واسطه آن در اشیاء حلول می کند و روح خود را در آنها می دمد. بولس سلامه، ادیب مسیحی لبنانی است که آثار مختلفی از او بر جا مانده است؛ «ملحمه الغدیر» از جمله آثار فاخر این شاعر سرشناس است که جایگاه خاصی را در ادب عربی و ادبیات متعهد به خود اختصاص داده است؛ این اثر، زندگی اهل بیت (ع) را از آغاز تا پایان حادثه کربلا ترسیم می کند. جستار حاضر، تصاویر تشبیهی مربوط به امام حسین (ع) و واقعه کربلا را در اشعار این شاعر به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد کمتر بیتی در این ملحمة وجود دارد که در آن، از انواع تصویر استفاده نشده باشد؛ شاعر با استفاده از تصویر شعری (تشبیه) باعث زیبایی و برجستگی شعری شده است و زیبایی آفرینی در کنار معنای محوری از اهداف شاعر بوده است. او تصاویرش را نه تنها به غرض رساندن معنی، بلکه برای زیبایی کلامش به کار برده است. نتیجه آماری تحقیق نیز حاکی از این است که بسامد تشبیه بلیغ در شعر وی، بیشتر از تشبیهات دیگر می باشد و شاید دلیل آن به کنکاش کشیدن ذهن مخاطب باشد چرا که ذهن به سرعت متوجه آن نمی شود و از این جهت تاثیر بیشتری در مخاطب می گذارد.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، بولس سلامه، تصاویر تشبیهی، کربلا

۱- مقدمه

تصویر شعری، بخش جدایی ناپذیر شعری و یکی از پرکاربردترین اصطلاحات نقد ادبی است و ابزاری است برای رساندن معانی و مفاهیم ذهنی شاعر به مخاطب. شاعر، توسط تصویرگری تلاش می کند آنچه را که در افکار و احساسات درونش هست به طور شفاف به خواننده بیان کند؛ لذا بررسی تصاویر شعری هر شاعر، نمایانگر هنر او در خلق و آفرینش مفاهیم جدید و نمایاندن امور معنوی و انتزاعی در قالب حسی و مادی می باشد. شاعر توسط تصویرگری به اجسام و امور بی جان، روح حیات می بخشد و محسوس کردن موضوع شعری، توسط شاعر باعث می شود که خواننده از اثر او لذت ببرد؛ لذا بررسی تصاویر شعری هر شاعر نمایانگر هنر او در خلق و آفرینش مفاهیم جدید و نمایاندن امور معنوی و انتزاعی در قالب حسی و مادی می باشد.

بولس سلامه، ادیبی مسیحی و یکی از پرآوازه ترین شعرای کلاسیک معاصر است که به خاطر سرودن ملحمة الغدير، جایگاه ویژه ای در ادب عربی به خود اختصاص داده است. ملحمة الغدير وی نخستین منظومه حماسی، تاریخی، عربی به شمار می رود که بولس سلامه در آن، شیفتگی و ارادت خود را به خاندان پیامبر (ص) ابراز داشته است. بیشتر کسانی که ملحمة الغدير بولس سلامه را مطالعه نموده و اشعار دلنشین او را قرائت کرده اند به دشواری می توانند بپذیرند که این اشعار از زبان فردی مسیحی سروده شده باشد؛ زیرا در آن صداقت و عاطفه ی شیعی موج می زند؛ لذا پژوهش حاضر، با درک اهمیت این اثر ادبی، به دنبال کشف جنبه های دیگر از زوایای هنری آن است. تصویرپردازی شاعر و مهارت زبانی او تاکنون مورد بحث محققان قرار نگرفته است، از این جهت، اثر پیش رو سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی و آماری، پس از نشان دادن نوع نگاه یک شاعر مسیحی، جنبه های ادبی و فنی اثر او را در حوزه تصاویر تشبیهی نمایان سازد.

در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- شاعر چگونه از تشبیه در تصاویر شعری خود بهره برده است؟
- ۲- کدام یک از تصاویر تشبیهی، حضور بیشتری در شعر شاعر دارد؟
- ۳- منابع الهام بخش و عناصر تشکیل دهنده تصاویرهای تشبیهی شاعر چیست؟

۱-۱- پیشینه تحقیق

در ارتباط با حادثه کربلا و امام حسین (ع) و نیز بازتاب این موضوع در اشعار شاعران عرب و بخصوص بولس سلامه آثار درخور توجهی به رشته تحریر در آمده است که به برخی از آنها که با موضوع مقاله حاضر مرتبط است اشاره می شود.

- مقاله ای با عنوان «تصویرپردازی شعری در شعر عاشورایی فارسی و عربی (تصویر استعاری)»، توسط انسیه خزعلی و نرگس انصاری در پژوهشنامه ادبیات تطبیقی در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است؛ در این مقاله تصویرپردازی شاعران فارسی و عربی در باب شعر عاشورایی صد سال اخیر، انجام گرفته است اما بطور جداگانه به تصویر شعری در شعر یک شاعر خاص در مورد امام حسین (ع) پرداخته نشده است، این اثر اشعار بیش از ۴۰ شاعر فارسی و عربی را بررسی کرده و تصاویر استعاری را تحلیل نموده است.

- مقاله ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی غدیریه بولس سلامه و عبدالمسیح انطاکی» که توسط محمدرضا مصطفوی نیا و همکاران در سال ۱۳۹۱ در مجله پژوهش نامه ی علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسیده است؛ در این پژوهش، پژوهندگان

ابتدا به معرفی دو شاعر عربی یعنی بولس سلامه و عبدالملکیح انطاکی پرداخته‌اند، سپس خلاصه‌ای از واقعه‌ی غدیر را بیان کرده و به اشتراکات در آثار دو شاعر از جمله به وصف جزئیات و صحنه‌های مهم این واقعه در غدیریه‌های این دو شاعر پرداخته‌اند.

- رساله‌ای تحت عنوان «کربلا فی ملحمه» (عیدالغدیر) لبولس سلامه، توسط حسین روستایی، در دانشگاه تهران به سال ۱۳۹۰ چاپ شده است؛ نویسنده در این اثر، انگیزه‌هایی که یک مسیحی را به سرودن حماسه‌های اسلامی سوق داده بیان کرده است و به نوع مضامین شاعر اشاره کرده و به توصیف رثاپرداخته و هم‌چنین در مورد فضائل و عظمت مصیبت امام حسین (ع) سخن گفته است. با بررسی پایگاه‌های معتبر علمی چنین به نظر می‌رسد تا حال پژوهشی به بیان تصویر شعری و کارکرد آن در اشعار بولس سلامه در مورد امام حسین (ع) اختصاص نیافته است.

۲-نگاهی گذرا به زندگی نامه بولس سلامه

بولس یوسف سلامه، شاعر حماسه‌سرا، ادیب، روزنامه‌نگار و قاضی مسیحی لبنانی است که در سال ۱۹۰۲ میلادی/ ۱۳۲۰ ق در روستای «بتدین القش» در نزدیکی جزین در جنوب لبنان به دنیا آمد (داغر، ۱۹۸۳). بولس سلامه از دوران کودکی مبادی زبان عربی را آموخت، وی تحصیلات دانشگاهی را در رشته حقوق به اتمام رساند و از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۴ به شغل قضاوت پرداخت. وی در حرفه و شغل خویش به عدالت و دادگری شهرت داشت (همان: ۳۴۸). وی ادیبی چیره‌دست، نویسنده‌ای توانا، شاعری بلندپایه و خطیبی پرآوازه بود که در مدت زندگی خود، مورد توجه شعرا و ادبا و رجال فرهنگی و مذهبی معاصر خود قرار داشت و چنان که نوشته‌اند در ۱۵ سالی که منصب قضاوت را به عهده داشته است به عدالت و بی‌طرفی شهره بوده است (یعقوب، ۲۰۰۴). از بولس سلامه آثار متعددی برجا مانده است هم در زمینه شعری و هم در زمینه نثری. از آثار معروف او می‌توان به «ملحمه‌ی ایام العرب» و «ملحمه‌ی عیدالغدیر» اشاره کرد. زندگانی امام حسین (ع) و حادثه‌ی کربلا، بخش پایانی ملحمه‌ی عیدالغدیر است. نویسنده آغاز داستان را با نقل اختلاف بنی امیه و بنی هاشم آغاز کرده و بسیاری از حوادث ملحمه را بر این مبنا قرار داده است.

۳-تصویر تشبیهی

۳-۱-تعریف لغوی و اصطلاحی تشبیه

«تشبیه در لغت، مانند نمودن چیزی بر چیز دیگر است در صفتی که بین هر دو مشترک باشد» (عرفان، ۱۳۸۱).

در اصطلاح، تشبیه یعنی همانند کردن چیزی بر چیزی که نزدیک یا همانند به آن شیء هست از یک جهت یا جهات مختلف، نه از کل جهات؛ چرا که اگر این‌گونه باشد دیگر نمی‌توان گفت که تشبیه به کار رفته است؛ بلکه می‌توان گفت این همان است مانند: «خد کالورد» که در این تشبیه قرمزی و با طراوت بودن گل اراده شده است نه از جمیع جهات مانند زردی و وسطش و... (ابن الرشیق القيروانی، ۱۴۱۶).

و در تعریف دیگر تشبیه، مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط به اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. توضیح اینکه چون می‌گوییم: مانند کردن، معنایش این است که آن دو چیز علی‌الظاهر، شبیه به هم نیستند و بین آن مشابهت نیست و این ما هستیم که این شباهت را ادعا و برقرار می‌کنیم؛ اما چون معمولاً به این نکته توجه نمی‌شود، ما قید مبتنی بر کذب بودن را جهت مزید تاکید بر تعریف افزوده ایم (شمیسا، ۱۳۶۹).

تشبیه دارای ارکانی می‌باشد که در آن تشبیه شدن چیزی به چیز دیگر نشان داده می‌شود که عبارتند از: «مشبه- مشبه به- وجه شبه- ادات تشبیه» و این ارکان را می‌توان در این جمله از قول معری چنین ذکر کرد: «انت کالشمس فی الضیاء» انت: مشبه، الشمس: مشبه به، الضیاء: وجه شبه، کاف: ادات (فاضلی، ۱۳۷۶).

۳-۲- تصاویر تشبیهی در اشعار بولس سلامه

بولس سلامه با ترسیم و تصویر موضوعات توسط تشبیه، به راحتی توانسته است ذهن مخاطب را به موضوع مربوطه معطوف کند. تشبیهات همانطوری که گذشت از تنوع بسیاری برخوردار هستند. بعضی از آنها همه‌ی ارکان تشبیه را دارند که در این صورت، خواننده به راحتی تصویر را دریافت می‌کند. برخی بدون ادات هستند و برخی نیز بدون ادات و بدون وجه می‌باشند که این گونه تشبیه، نمایانگر همانندی و یکسانی مشبه و مشبه‌به می‌باشد.

۳-۳- تشبیه ضمنی

اما در مورد تشبیه ضمنی که در مقابل تشبیه صریح است و با لوازم تشبیه بیان می‌شود، یک تشبیه مخفی ولی دقیق است و در دل آدمی نفوذ بیشتری دارد. همانگونه که پیداست کاربرد اصلی تشبیه بر پایه‌ی اجزای آن است ولی در تشبیه ضمنی، پایه‌های تشبیه ذکر نمی‌شود؛ بنابراین اجزای تشبیه در این نوع کلام، ظاهر نیست و باید از طریق تقدیر و تأویل به آن همانندی پی برد (الجارم و آمین، ۱۳۸۹). شاعر درباره شهادت یاران امام حسین (ع) چنین می‌سراید:

«فأعدتم للأرض خیرَ بنیها فکرامُ السیوف فی الأغماء»

(بولس سلامه: لاتا،)

او در این قسمت به تشبیه ضمنی روی می‌آورد و بدون تصریح، به تشبیه اشاره کرده و برای شهادت و به زیر خاک برگشتن شهدا، مثالی را بیان کرده است که خواننده با خواندن آن به ارزش والای شهدا پی ببرد؛ لذا برای آن نمونه و مثالی ذکر می‌کند، بدین‌گونه که بازگشت انسان‌های پاک به خاکی که از آن خلق شده‌اند را به بهترین شمشیرهایی تشبیه کرده که آن شمشیرها غلاف شده‌اند.

در بیت دیگری چنین می‌سراید:

يقولُ العباسُ للسبسطِ هیّا ننزلُ الماءَ لنِ نموتَ ظمّاء
 همَّ أن ینزلَ الفراتَ فنّادی دارمی یا ویحکم جبنّاء
 إمنعوه المیاءَ یهلكَ فإنَّ الرملُ یشتاqu فی الهجیر شواء

(همان: لاتا،)

«دارمی گفت آب را از او (حضرت عباس) دریغ کنید تا هلاک شود. همانطور که شن و ماسه در اوج گرما کباب و ذوب می‌شوند».

شاعر در این بیت، برای تشنگی حضرت عباس که در میدان جنگ، جانانه می‌جنگید و از فرط تشنگی به دنبال آب می‌گشت تا تشنگی یاران و تشنگی خود را رفع کند؛ ولی دارمی این اجازه را به وی نداد؛ وی برای این حالت حضرت عباس، مثال و نمونه ای را می‌آورد تا بوسیله آن خواننده بتواند آن چه که ندیده را درک کند و شاعر در این باره بصورت عینی توضیح می‌دهد؛ همانطوری که شن و ماسه در اوج گرما ذوب می‌شوند شهدای کربلا نیز دچار چنین وضعیتی شدند که در اوج گرمای شدید کربلا تشنه بودند و با زبان تشنه می‌جنگیدند. وقتی آب به شن و ماسه نرسد حتی شن نیز که از جنس سنگ است ذوب می‌شود چه رسد به انسان که از طریق آب، نیرو می‌گیرد. آری شهدای کربلا عطشان در میدان مبارزه تا آخرین نفس جنگیدند و در نهایت مظلومانه و با زبان تشنه شهید شدند.

۳-۴- تشبیه مرکب

تشبیه تمثیل (مرکب): تشبیهی است که وجه شبه از یک هیئتی گرفته می شود و از لحاظ ذکر وجه شبه، همیشه مجمل می باشد. در این قسمت با ذکر نمونه هایی از تشبیه مرکب به توضیح ابیات می پردازیم:

فبنو هند فی نعیم عریض
 و بنو فاطم وسیق الواسق
 لاطنات فی ظلّ عرش یزید
 کالرعا بیل عند زهر الیلامق

(همان)

شاعر در این قسمت، همانند اشعار گذشته ی عربی به توصیف جزئیات؛ یعنی توصیف قصر یزید و زیبایی های آن می پردازد. وی در این بخش آواره گی فرزندان فاطمه زهرا (س) سرا بعد از شهادت فرزندان فاطمه و یارانش در واقعه ی کربلا، به آن نحوی که در کتب تاریخ نیز روایت شده به تصویر می کشد. شاعر وقتی منعم بودن فرزندان هند را می بیند که با آن همه ظلم، شانس و نعمت، باز هم یار و همراه آنهاست تحمل نمی کند؛ بنابراین می خواهد جراحی که در پی آن در درونش ساخته شده است را به خواننده نشان دهد و هم چنین خواننده را در غم خود که البته غم همه ی مسلمین می باشد، شریک کند؛ لذا وی از فرزندان زخمی فاطمه زهرا (س) در سایه ی عرش یزید به عنوان پیراهن های کهنه در کنار درخشش لباس های فاخر تعبیر می کند.

مخاطب در این بیت به خوبی درمی یابد که شاعر در این قسمت، هیئتی را به هیئت دیگر تشبیه کرده و به وسیله ی تشبیه مرکب، آن صحنه ای را که فرزندان فاطمه (س) در آن سرگردان بودند را ترسیم می کند. همانگونه که می دانیم لباس، زمانی کهنه می شود که بارها و بارها پوشیده شده باشد و وقتی مورد استفاده فراوان قرار می گیرد، در مقابل نور خورشید، رنگ و رو باخته می شود و دیگر کیفیت و دوام قبلی خود را از دست می دهد و در نهایت پاره و بی دوام و هم چنین غیر قابل استفاده می شود، ولی لباس های فاخر و تازه که هم پارچه ی ضخیم تری دارند و هم تازه و نو هستند و قبلاً هم مورد استفاده قرار نگرفته اند، همیشه برق می زنند و می درخشند. وقتی می بینیم شاعر، آوارگی آن کودکان را به لباس کهنه تشبیه کرده است، درمی یابیم که تشبیه او بی دلیل نبوده؛ چرا که فرزندان فاطمه (س) در واقعه ای که دچار آن همه مصیبت شده بودند و یاران خود را از دست داده بودند با دیدن سرها و دیگر اعضای بریده شده، ترسیده و رنگشان زرد شده و دیگر خسته و کم تحمل شده بودند؛ بنابراین مانند لباس های کهنه ای شده بودند که رنگشان پریده بود؛ اما قصر یزید که با بهترین سنگ های درخشان ساخته شده بود و می درخشید، درخشش آن قصر، مانند درخشش آن لباس های فاخر و تازه بود.

در بیت دیگری چنین می سراید:

نحن اهل الرسول اورثنا جد
 دی صدوراً علی الخطوب رحاباً
 حسبنا دمعۃ الندامۃ نزجی
 ها اِلٰی اللهِ قریۃً و احتساباً
 دمعۃ تغسل القلوب و تجلو
 ها کما یصهر الشعاع الضباباً

(همان)

اشک نیز یکی از موهبت‌های خداوندی می‌باشد که آدمی توسط آن سبک بار می‌شود. حتی به آدمی در مواقعی که دلتنگ و... است توصیه می‌شود که گریه کند تا سبک شود. شاعر نیز با اعتقاد به اینکه اشک، قلب را شستشو می‌دهد؛ آن را به نور خورشید تشبیه می‌کند که زبانه آهن را جلا می‌دهد؛ بنابراین می‌بینیم که شاعر در این بیت هیئتی را به هیئت دیگر تشبیه کرده است.

نیز در بیت زیر چنین می‌سراید:

طاهراتُ فما ترکَنَ إزارا

شَقَّتِ الجِيبَ زینبٌ و تَلَّتْهَا

ناثراتُ شعورهنَّ دثارا

لاطماتُ خدودهنَّ حزانی

فکأنَّ المِیاءَ تطفیءُ نارا

فدعاهنَّ لاصطبارٍ حسینٌ

(همان)

در این قسمت، شاعر، حضرت زینب (س) و دیگر حاضران که در کربلا با دیدن شروع واقعه و از دست دادن یاران خود بی تاب می‌کردند و امام حسین (ع) آنان را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند را به تصویر می‌کشد. شاعر دعوت امام را همچون آبی ترسیم می‌کند که آتش را خاموش می‌کند و با این تشبیه یک امر درونی و معنوی؛ یعنی تشویش و نگرانی زنان حاضر در کربلا و حضرت زینب (س) را برای ما روشن می‌سازد. وی صبر را همچون آب و تشویش درونی و بی‌تابی زنان را همچون آتش ترسیم می‌کند، سپس در این بیت برای خواننده، ارزش صبر در مقابل تشویش را مشخص و بیان می‌کند؛ بولس سلامه معتقد است همان‌گونه که آب، ضد آتش است و قدرت خاموش کردن آن را دارد، صبر نیز یکی از موهبت‌های خداوند تبارک و تعالی می‌باشد که می‌تواند تشویش و نگرانی‌های بشر را بهبود بخشد؛ لذا شاعر با توانمندی و چیره‌دستی تمام، برای تبیین این جمله در ذهن مخاطب، تشبیه مرکبی را به کار می‌برد که شاید جز این گونه تشبیه، هیچ تشبیه دیگری نتواند این موضوع را در مقابل درک و شعور خواننده به چنین زیبایی به تصویر بکشد.

۳-۵- تشبیه بلیغ

اگر ادات و وجه شبه از ارکان تشبیه حذف شود به آن تشبیه بلیغ می‌گویند.

وؤم، والأُمُّ سحنَةُ السَّعلاةِ

رعبُ الأُمِّ حینَ مولدِ المش

(همان)

شاعر در این بیت و ابیات قبل به توصیف چهره زشت و بدبو بودن وی می‌پردازد. در این بیت به توصیف شمر بسنده نمی‌کند بلکه شروع به توصیف مادر وی می‌کند و می‌گوید: شمر کسی است که هنگام تولد، مادرش به وحشت افتاد در حالیکه خودش مانند یک دیو بود. شاعر در این با حذف ادات و وجه شبه مادر شمر را به دیو تشبیه می‌کند. ناگفته نماند که شاعر در این بیت از حس بینایی بهره برده است.

ما دامت السماءُ سماء

عصبهُ الشرُّ بتمَّ سَبَّةُ الأزمانِ

ذارُ منها فتستحیلُ وباء

أنتم الخسَّةُ التي تطلعُ الأق

نقدٍ تجری فتجرحُ الوجهاء

لستُ أهجوکم فإنَّ سهامُ ال

(همان)

شاعر در این بیت به توصیف گروه شرور در واقعه عاشورا می‌پردازد و ابتدا به سرزنش آنها پرداخته و آنان را قابل دشنام معرفی می‌کند، زیرا به ناحق در مقابل حق و عدالت می‌ایستند و با آن می‌جنگند و خوب را از بد نمی‌توانند تشخیص دهند، کسانی که در انجام شر و فساد، چنان پیش‌روی کردند که حتی الفاظ و جملات از توصیف کردار آنان ناتوانند؛ یعنی نمی‌توان لفظی برای توصیف آنان برگزید که شایسته و درخور آنان باشد و اگر چنین الفاظی هم پیدا شود چنان تند و تیز خواهند بود که نمی‌توان آن را بر زبان جاری ساخت. همانگونه که در ترکیب «سهام النقد» می‌بینیم، شاعر چنین نقد و انتقاد را به تیری تشبیه کرده است که صورت‌ها را مجروح می‌کند.

شاعر به وسیله‌ی ویژگی تیر؛ یعنی زخمی کردن و برنده بودنش چگونگی نقد آنان را نشان دهد؛ چون آن گروه شرور، چنان مرتکب خطاهای زیادی شده‌اند که با هر لفظی و کلمه‌ای نمی‌توان بدی و خطاهای آنان را توصیف کرد؛ یعنی الفاظ، قدرت بیان آن را ندارند و اگر هم در توصیف آنان جمله و کلمه‌ای پیدا شود، جملاتی خواهند بود که هر کسی تحمل شنیدن آن را نخواهد داشت و آدمی با شنیدن آن در هم شکسته می‌شود و تندی آن الفاظ مثل یک شمشیر برنده مخاطب را مجروح می‌کند.

۳-۶- تشبیه مجمل

تشبیه مجمل: تشبیه‌ای است که تمام ارکان تشبیه، به جز وجه شبه در آن ذکر می‌شود.

أخذته العيونُ بالنظرات

و اعتلى صهوة الجوادِ جواداً

حسنُ الإباءِ و العظمت

حملَ الجدُّ قبله، فكأنَّ السرجَ

(همان)

بولس سلامه در این بیت به توصیف اسب امام حسین (ع) می‌پردازد؛ همان‌گونه که شاعران در قصاید قدیم عربی علاوه بر توصیف قهرمانان مبارزه، به توصیف جزئیات، مانند: کجاوه، اسب، شتر و... می‌پرداختند؛ شاعر در این بیت اسب امام را توصیف می‌کند و با توصیف این جزئیات می‌خواهد خواننده را مجذوب متن شعری خود کند تا داستان واقعه را دنبال کند؛ لذا وی زین اسب را به دژ یا قلعه‌ی بزرگ تشبیه کرده است که قبل از امام حسین، پیامبر اسلام (ص) بر روی آن نشسته بود. شاعر از جهت محکم و نفوذ ناپذیر بودن دژ، زین اسب را به آن تشبیه کرده است تا بوسیله آن سرسختی آن را به تصویر بکشد که هرکس را بر روی خود جای نمی‌دهد، بلکه زین آن اسب فقط جای مصلحان است و نفوذ ناپذیر است که به هیچ صورت ستم نمی‌پذیرد. البته شایان ذکر است که شاعر در این قسمت از صنعت تشخیص نیز بهره برده است و زین اسب را همچون انسانی تشبیه کرده است که قدرت اراده دارد.

همچنین در بیت دیگری می‌گوید:

ريحُ نكباءَ تصفعُ الأبوابا

فأرنت سهامهم كأزير ال

(همان)

در این بیت شاعر، لحظه‌ی جنگ دو سپاه مقابل را توصیف می‌کند و به توصیف جزئیات حماسه می‌پردازد و به تصویر صدای نیزه‌ها که در دست سپاهیان می‌باشد، روی می‌آورد و برای نمایش تصویر خود، حس شنوایی را از میان تصاویر حسی، برمی‌گزیند و قصد دارد از طریق این حس، تصویری بسازد که خواننده را در آن صحنه حاضر سازد. لذا شاعر صدای تیر و نیزه‌ها را مانند زوزه‌ی بادی به تصویر کشیده است که درها را می‌کوبد. شاعر از طریق این تشبیه، سرعت و ضربه‌های پشت سر هم سپاهیان را ترسیم

می‌کند و معتقد است که در این نبرد، ضربه‌ها چنان پشت سر هم و بدون فاصله هستند که با چشم نمی‌توان آن‌ها را دید. وجه شبه در این بیت، سرعت بیش از حد ضربه‌های شمشیر می‌باشد. در جمله «تصفع الأبواب» نیز استعاره وجود دارد که در آن، جان‌بخشی صورت گرفته است.

در قسمت دیگر می‌بینیم که شاعر می‌گوید:

فدعا بالحسین یسلبه حق قأ و حقّ الحسین كالأصباح

(همان)

این بیت مربوط به بخشی از قصیده است که یزید، امام حسین (ع) را برای بیعت با آنها دعوت می‌کند و ولید از امام می‌خواهد که با ناحقی آنها بیعت کند. شاعر در این بیت، برای حق حسین (ع) تشبیهی می‌آورد. او گرچه مسیحی است ولی با خواندن تاریخ این واقعه، به برحق بودن امام حسین (ع) بصیرت و یقین پیدا می‌کند. لذا حق امام حسین را به صبح تشبیه می‌کند. از خصوصیات و ویژگی‌های صبح، روشن بودن آن است؛ بنابراین شاعر روشنی حق حسین را با واژه «أصبح» بیان می‌کند و در این بیت از بین تصاویر حسی، تصویر بینایی را انتخاب کرده و توسط آن تصویر تشبیهی خود را به خواننده انتقال می‌دهد.

۳-۷- تشبیه مؤکد

مؤکد، تشبیهی است که ادات در آن ذکر نشود؛ یعنی دارای مشبه، مشبه به و وجه شبه است ولی فاقد ادات می‌باشد. قسمی هم تشبیه مؤکد می‌باشد که وجه شبه آن حذف می‌شود. در این صورت خواننده با ابهام بیشتری مواجه است؛ زیرا خود خواننده موظف است ویژگی یکسان مشبه و مشبه‌به را پیدا کند و بداند که شاعر به چه دلیلی لفظ مشبه و مشبه‌به را به هم تشبیه کرده است و وجه اشتراک آن دو چه چیزی بوده است که باعث شده تا شاعر آن را برای تعریف مشبه خود انتخاب کند.

در این قسمت نیز مصداق‌هایی برای تشبیه مؤکد می‌آوریم و به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

فاستماتوا أشواساً کبراء تهاوی النسورُ ولدُ علیؑ

(همان)

زمانی که عمر بن سعد تیراندازی کرد، سپاه ابن زیاد نیز شروع به تیراندازی کردند، پس از آن، دو گروه بر یکدیگر حمله کردند و دسته جمعی با هم جنگیدند به طوری که حدود پنجاه تن از یاران امام به شهادت رسیدند.

شاعر شهید شدن فرزندان علی (ع) در این واقعه را به مردن عقاب، تشبیه کرده است و با ذکر وجه شبه (شجاعت) که در بیت آمده است خواننده را با هدف تشبیه خود آشنا می‌سازد، وقتی که شاعر می‌گوید: فرزندان علی مانند عقاب، شجاعانه مردند. عقاب در ادبیات به تیزبینی، قدرت عمل و مردانگی معروف است؛ لذا شاعر همه‌ی ویژگی‌های عقاب را در نظر گرفته است تا اینگونه فرزندان حضرت علی (ع) را به تصویر بکشد؛ همچنین شاعر خواسته تا بوسیله این گونه تشبیه که از طریق یک امر حسی، روشن شده است، شهادت شجاعانه و بزرگ‌مردانه‌ی شهدا را به تصویر بکشد و در این بیت نیز از حس بینایی برای نشان دادن تصویر تشبیهی خود بهره گرفته است.

در بیت دیگر شاعر چنین می‌سراید:

و سرت فی الحسین هزّة قربی ذکرته الأعمام و الأخوالا

أفانين دوحه نتوالی

بل هو العبء باهظاً قتالا

(همان)

لا تموتون وحدکم، بل الی جنبی

إنما العیش بعدکم لحرام

در این قسمت امام حسین (ع) وقتی که با یارانش به کربلا می‌رود به آنها دلداری می‌دهد که شما در این جنگ اگر کشته شوید تنها نیستید، بلکه در کنار من شهید خواهید شد. سپس از زبان امام حسین (ع) زندگی بعد از یارانش را توصیف می‌کند. شاعر معتقد است که زندگی بعد از آنان، بسان یک باری است که سنگین و کُشنده می‌باشد. به دلیل غیر قابل تحمل بودن زندگی بعد از شهادت یاران امام، آن را به بار سنگین تشبیه کرده است و در این تشبیه، ناملایمات و سختی‌های زندگی را که یک امر معنوی و ذهنی می‌باشد به یک امر حسی، تشبیه کرده است و قصد دارد تا سختی زندگی را به صورت محسوس در ذهن مخاطب و جلوی دیدگان وی به تصویر بکشد.

در بیت دیگر شاعر چنین می‌سراید:

صائد لیس یفلت الأطیارا

و لعل النهی یفیک البوارا

فانظر الجیش زاخراً جرّارا

لیث فی القید غاضباً زءارا

(همان)

قال: إني أمرت فابن زیاد

سر إليه فالرأى ما یرتئیه

إن تعاند تمت حسین قتلاً

وثب الباسل الأبی و ثوب ال

در این قسمت وقتی «حر» از ابن زیاد فرمان گرفته تا مانع ورود امام به کوفه شود. امام وقتی این صحنه را می‌بیند عصبانی می‌شود. شاعر در این صحنه، امام را به شیر تشبیه می‌کند که دارای قدرت و هم‌چنین شجاعت فراوانی است به گونه‌ای که کسی را یارای مقابله با آن نیست.

شیر از جمله حیواناتی می‌باشد که شاعران از همان دوران جاهلی در اشعارشان؛ بخصوص اشعار حماسی خویش به کار برده‌اند تا به وسیله‌ی آن بتوانند نیرو و قدرت قهرمان داستان را ترسیم کنند. در واقعه‌ی عاشورا و کربلا نیز یکی از بزرگترین قهرمانان تاریخ، امام حسین می‌باشد؛ کسی که هم خود قهرمان است و هم زاده قهرمانان است. در طول تاریخ برکسی مخفی و پوشیده نیست که امام حسین و پدر و جدش در صحنه‌های جنگ علیه باطل، همیشه رهبر و قهرمان بوده‌اند؛ لذا در این قسمت می‌بینیم که شاعر ناگزیر عناصر تصاویر قدیمی (شیر) را برای امام حسین به کار برده و دلیل وی از انتخاب لفظ شیر، آن است که برای بیان قهرمانی و شجاعت آن حضرت، موجود غیور و شجاعی جز شیر را نمی‌یابد تا بوسیله آن امام را به تصویر بکشد.

در این بیت وقتی حرّ در مقابل امام می‌ایستد امام عصبانی می‌شود، شاعر عصبانیت امام را به شیر که وجه شبه هر دو شجاع بودنشان می‌باشد به کار برده است تا بتواند به بهترین وجه ممکن صحنه را در مقابل دیدگان خواننده قرار دهد. ناگفته نماند که شاعر در این بیت از بین حواس ظاهری، حس بینایی را به کار برده است.

تشبیه جمع که از دیگر انواع تشبیه می‌باشد و شاعر توسط آن می‌تواند به وسیله چند مشبه به، که برای مشبه می‌آورد، آن را در ذهن خواننده خاطر نشان سازد. لذا ما در این قصاید، نمونه‌های تشبیه جمع را نیز می‌بینیم که شاعر به خوبی و با دقت فراوان برای یک موضوع، چندین لفظ و مشبه به را آورده است.

در این قسمت، برای تشبیه جمع نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم و به توضیح هر کدام از نمونه‌ها می‌پردازیم. از جمله:

و صغارُ من الیواقیتِ أبهى
و من الضوءِ فی الریاحین سالا

(همان)

در این بیت، شاعر به توصیف آغاز حرکت امام از مدینه به کوفه می‌پردازد و امام با عموم افرادِ خاندانش که در مدینه بودند و او را همراهی کردند، به راه افتاد و در بین کاروانیان، کودکان شیر خواره و نوجوانان و همچنین زنان آبستن نیز وجود داشت. شاعر در این بیت، کودکانی را که در بین کاروانیان بودند را به تصویر می‌کشد و آنها را روشن‌تر از یاقوت و خوشبوتر از گل‌های معطر معرفی می‌کند.

به خوبی مشاهده می‌شود که شاعر برای توصیف آن کودکان از دو مشبه به استفاده کرده است که به این نوع تشبیه، تشبیه جمع گفته می‌شود.

یا در بیت دیگری می‌گوید:

أنتَ رَغمَ العیوبِ کالیلِ جنحاً
قطرةٌ فی هتونه الضحاح

(همان)

شاعر در اینجا به این دلیل که ابن هند، برحق بودن امام را درک یا قبول نمی‌کرد و چشم و گوشش را به هدایت‌های امام بسته بود، وی را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد؛ لذا ابن هند را از لحاظ تاریکی و ظلم و ستم به شب تشبیه کرده است و سپس او را به قطره‌ای از چشمه‌ی کم آب تشبیه می‌کند و با این تشبیه که مشبه آن یکی و «مشبه به» آن دو تا است خواسته تا اعمال فاسد ابن هند را به تصویر بکشد و مخاطب را با شخصیت پست او آشنا کند. شاعر در این نوع تصویر، تشبیه از حس بینایی بهره گرفته است.

مثال دیگر در این مورد، ابیات زیر می‌باشد:

«عمره عمرُ وردةٍ لم تفتح
بعدُ اغصانها فتدفع الآباء

عمره عمرُ غادةٍ توشک الأبصار
تلقی فی خدّها العنابا»

(همان)

شاعر در توصیف نوجوانی علی اکبر، عمر آن نوجوان را ابتدا به گل تشبیه می‌کند که هنوز باز نشده و در کمترین سنش می‌باشد و علی اکبر نیز مانند همان گل در سنین اولیه عمرش می‌باشد و سپس عمر وی را به زن زیبارویی تشبیه کرده که چشم‌ها را از لحاظ زیبایی‌اش به هیجان درآورده است. در این دو بیت، شاهد آن هستیم که شاعر یک چیز (عمر) را به دو چیز (گل و زن زیباروی) تشبیه کرده و در توصیف عمر علی اکبر به گل اکتفا نکرده است؛ بلکه عمر او را به زن زیبارویی تشبیه کرده که چشم‌ها را به شگفتی و می‌دارد. شاعر در این دو بیت در میان تصاویر حسی، برای نشان دادن تصویر خود از حس بینایی استفاده کرده است.

۳-۹- تشبیه تام

تشبیهی است که بیشترین وضوح را دارد چون همه‌ی ارکان چهارگانه‌ی تشبیه که از همان آغاز علم بلاغت وجود داشته در آن ذکر شده است یعنی؛ مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه (بستانی، ۱۹۸۶). در این قسمت، نمونه‌هایی از ابیاتی را می‌آوریم که در آن همه ارکان تشبیه ذکر شده است.

«هَجَرَ السَّبْطُ يَثْرِباً وَ الرِّفَاقَا كَضِيَاءٍ يُوَدِّعُ الْآفَاقَا»

(همان)

در این بیت شاعر، هجرت امام حسین (ع) از مدینه به مکه را از طریق تشبیه تام به تصویر می‌کشد، وی امام را به نوری تشبیه کرده که افق را ترک می‌کند. وجه شبه در این بیت، ترک کردن می‌باشد. شاعر به دلیل حقانیت و راهنمایی‌های امام، او را به نور تشبیه کرده است. همان‌گونه که نور از افق، خداحافظی می‌کند و شهر بدون نور می‌ماند با هجرت نوه رسول خدا (ص)، مدینه نیز بدون هادی و راهنما می‌ماند. شاعر در این تشبیه از میان تصاویر حسی، حس دیداری را انتخاب کرده است.

در بیت دیگری شاعر چنین می‌سراید:

«أَعْلَمْتُمْ أَنَّ الْحُسَيْنَ السَّنِيَّ ال خَلْقِي كَالْفَجْرِ شِيْمَةً وَ ائْتِلَافَا»

(همان)

در این بیت شاعر از خصایص اخلاقی امام حسین سخن می‌گوید و درون وی را همچون سپیده دم به تصویر می‌کشد؛ شاعر معتقد است همانطور که فجر، پاک و روشن است، ضمیر امام نیز مثل آن فجر، پاک و صاف است. وقتی صحبت از ضمیر پاک و روشن می‌شود، منظور همان بی‌گناهی و آلوده نشدن به کارهای حرام می‌باشد.

در این بیت نیز شاعر برای انتقال تصویر تشبیهی خود از حس بینایی استفاده کرده است.

در بیت دیگری چنین می‌سراید:

بَعَثَ الْإِثْمَ كَالْجَحِيمِ دَخَانَا يَتَلَوَّى وَ يَنْشُرُ الْأَذْيَالَا

(همان)

در این بیت شاعر از تباهکاری‌های یزید سخن می‌گوید. لذا گناه را مانند دودی معرفی می‌کند که تیره است. دلیل شاعر از تشبیه گناه به دود از این رو است که گناه مانند یک شیئی می‌ماند که آدمی را اندک اندک در تاریکی روحی بیشتر قرار می‌دهد. شایان ذکر است که در ادبیات، هر چیزی که حق نیست سیاه معرفی می‌شود. در این بیت نیز با توجه به رنگی که شاعر در تصویر خود به کار برده، از حس بینایی استفاده کرده است.

در بیت دیگری شاعر چنین می‌سراید:

فَأَجَابُوا هَلْ تَشْهَدُ النَّهْرَ لَمَّا عَاءً، سَرِيعاً، كَالضَّمْرِ الْمُرْسَلَاتَا

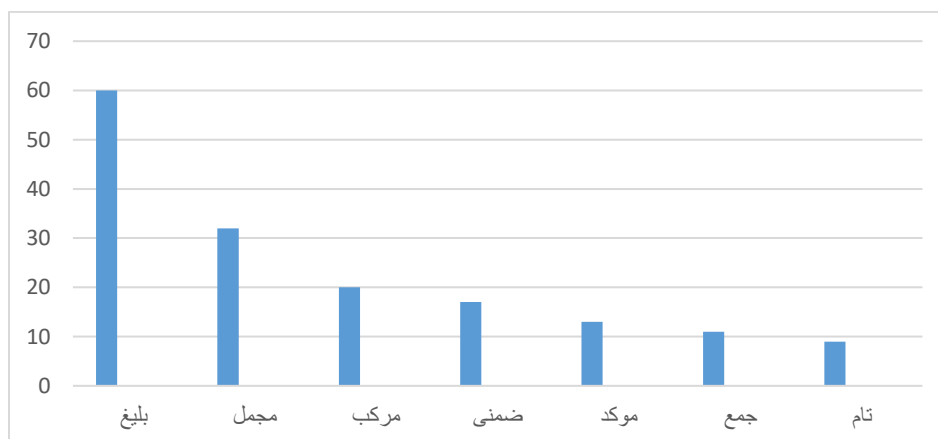
(همان)

وقتی امام حسین (ع) به سپاه مقابل اعتراض می‌کند که چرا وی را بی گناه به قتل می‌رسانند؛ آنان کارشان را بصورت غیر منطقی توجیه می‌کنند و چنین پاسخ می‌دهند: «آیا این نهر زلال و درخشان که همچون اسبان تیزرو و روان است را می‌بینی، قطره ای از این آب به تو نمی‌رسد، پس با آرزوهای بر باد رفته خود وداع کن».

شاعر در این بیت، رود فرات را به اسبان تیزرو تشبیه کرده است. خواننده شاید با خواندن سطحی این بیت به وجه مشترک مشبه و مشبه به پی نبرد؛ لذا شاعر با درک حال خواننده، وجه شبه را نیز در این بیت ذکر کرده است تا به بهترین حالت سرعت حرکت اسبان را به مخاطب خویش انتقال دهد.

با توجه به تشبیه به کار رفته در بیت فوق، مشخص می‌شود که شاعر در انتقال تصویر تشبیهی خود از بین تصاویر حسی، تصویر دیداری را انتخاب کرده است.

در این بخش با ارائه نمودار به بررسی انواع تشبیه در اشعار مورد پژوهش بولس سلامه می‌پردازیم:



با توجه به نمودار فوق، می‌بینیم که شاعر، تشبیه بلیغ را نسبت به تشبیهات دیگر بیشتر به کار برده است. تشبیه بلیغ به این دلیل که وجه شبه آن حذف می‌شود، بهترین نوع تشبیه محسوب می‌شود؛ در این خصوص شفیع کدکنی معتقد است: تشبیهی که وجه شبه در آن یاد نشده باشد و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن نشود، بی گمان تاثیر بیشتری خواهد داشت؛ زیرا هنگامی که ذهن خواننده تلاش خود را انجام داد و به نتیجه رسید لذتی خاص می‌برد؛ البته در صورتی که وجه شبه ذکر شود، این کوشش چندان کوششی به حساب نمی‌آید بلکه نوعی ارائه مستقیم خواهد بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶).

بنابراین می‌توان چنین گفت که شاعر با این گونه تشبیه خواسته تا خواننده با در نظر گرفتن وجه شبه، برداشت‌های متفاوتی در ذهن خود از متن داشته باشد. بعد از تشبیه بلیغ، شاعر از تشبیه مجمل، نسبت به تشبیهات دیگر بهره فراوانی برده است. در این نوع تشبیه، با استفاده از بیان نکردن وجه شبه، ذهن خواننده را برای پیدا کردن آن به کنکاش می‌کشد.

شاعر با استفاده از تشبیه مرکب، خواسته است موضوع را به صورت واضح در ذهن خواننده تبیین و ترسیم کند. اما در مورد تشبیه جمع که تعداد آن نیز در اشعار زیاد نیست ولی شاعر بدان توجه داشته، می‌توان گفت که وی با استفاده از آوردن دو یا چند «مشبه به» به «مشبه» خواسته تا تصویر تشبیهی خود را به صورت روشن در ذهن خواننده تبیین کند. همچنین وی توسط تشبیه ضمنی، برای

مطلب خود نمونه و مثالی را ذکر می کند، با توجه به فراوانی تشبیه مرکب در نمودار فوق می بینیم که ذهن شاعر خالی از نمونه و مثال نیست و به خوبی توانسته است برای آن چه که در ذهن خود دارد توسط نمونه و مثال به خواننده انتقال دهد.

در این نمودار شاهد آن هستیم که تشبیه تام، کمترین میزان اشعار شاعر را به خود اختصاص داده است. به این دلیل که در این گونه تشبیهات، ادات و وجه شبه ذکر می شود لذا جایگاه چندانی برای مشارکت ذهنی مخاطب باقی نمی ماند و در این صورت خواننده در حالت منفعل قرار می گیرد؛ زیرا ذهن خود را برای پیدا کردن چیزی و نمی دارد و این دلیل، بیانگر عدم تمایل شاعر به ساده ترین انواع تشبیه می باشد.

۴- تشبیه بر اساس معقول و محسوس بودن طرفین

همان گونه که در مباحث تئوری گذشت، تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن به چهار گروه تقسیم می شود:

۱- هر دو محسوس هستند. ۲- هر دو معقول هستند. ۳- مشبه، معقول و مشبه به، محسوس است. ۴- مشبه، محسوس و مشبه به، معقول است.

بنابراین در این بخش به بررسی طرفین تشبیه از این جنبه می پردازیم:

۴-۱- محسوس به محسوس

شاعر می گوید:

مشهدٌ أَلَمَ العیونَ وَ بَثَّ النَّارَ فیهَا، فالدَّمْعُ جَمْرٌ حَارِقٌ

(بولس سلامه :لاتا)

شاعر با اشاره به چرخاندن سر مبارک امام حسین (ع) در صحرای نینوا و گریه مردم از دیدن این صحنه ی دردناک، اشک ایشان را که یک امر محسوس و قابل حس است به آتش سوزان که آن نیز امر محسوس می باشد تشبیه می کند. در این بیت با توجه به "جمر حارق" می بینیم که شاعر از میان حواس پنجگانه خود از حس دیداری در انتقال این تصویر استفاده کرده است.

یا در بیتی دیگر می گوید:

فإذا الرملُ سیلٌ تهرُ منیرٌ وَ یباهی قارون فی إثرائه

(همان)

شاعر در این بخش در مورد ارزشمند بودن خون پاک امام حسین (ع) صحبت می کند و معتقد است که وقتی خون امام بر روی شن ریخته شد، آن شن، ناگهان طلای خوش آب و رنگ شد. با توجه به طرفین تشبیه می بینیم شاعر شن (امر محسوس) را به طلای خوش آب و رنگ (امر محسوس) تشبیه می کند. شایان ذکر است که در این بیت با توجه به جان بخشی به «شن»، صنعت تشخیص نیز به کار رفته است.

۴-۲- معنوی به محسوس

در مورد تشبیه امور معنوی به امور محسوس، ادیب یا شاعر در آن امور ذهنی خود را که قابل محسوس نیستند به وسیله امور محسوس، برای خواننده قابل فهم می کند.

شاعر در بیت زیر با اشاره به لحظه‌ای که امام حسین از مدینه به کربلا هجرت می‌کند، آن را چنین به تصویر می‌کشد:

ذکریات، فی یوم هجرته جادت سهاماً تقطع الأعرافا

(همان)

شاعر، معتقد است که وقتی آن حضرت از مدینه هجرت می‌کرد، یاد و خاطره‌ها در روز هجرتش، همچون تیرهایی بود که بند بند وجود آن حضرت را از هم می‌گسلاند؛ بنابراین می‌بینیم که شاعر، خاطره را که یک امر معقول و معنوی است توسط تیر؛ یعنی امر محسوس که با چشم قابل درک است به تصویر می‌کشد.

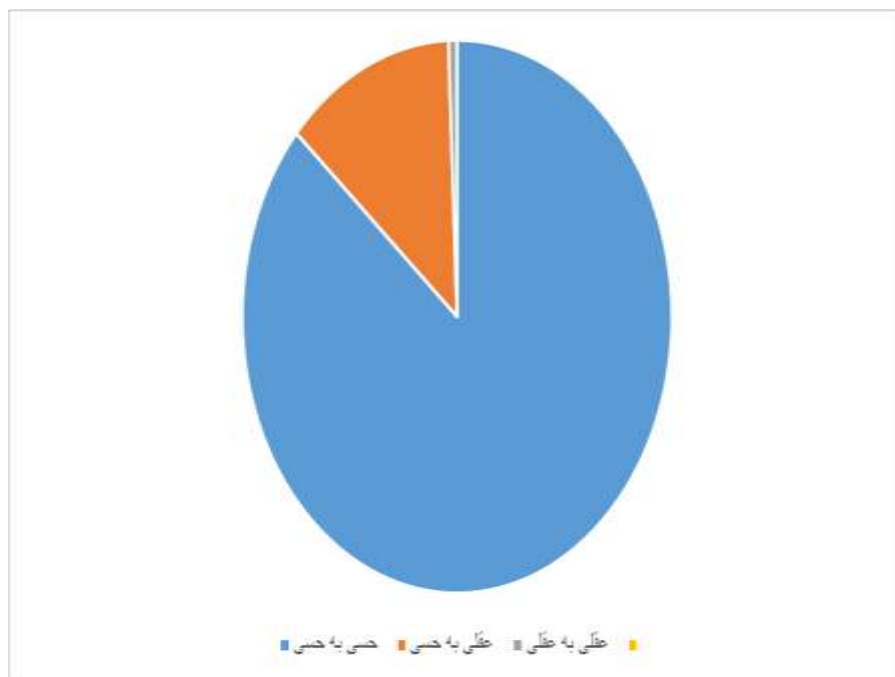
یا در بیت زیر می‌بینیم:

کلما یذكرُ الحسینُ شهيدا موكبُ الدهرِ ینبِتُ الأحرارا

(همان)

شاعر، روزگار را همانند کاروانی معرفی می‌کند که آزادگان را به جنبش و حرکت و قیام در می‌آورد. روزگار را که یک امر معنوی است به مرکب که امر محسوس است و بوسیله چشم دیده می‌شود تشبیه کرده است.

در این قسمت با ارائه نمودار به فراوانی طرفین تشبیه از لحاظ حسی و عقلی در اشعار می‌پردازیم:



نمودار شماره (۲)

۳-۴- محسوس و معنوی بودن طرفین تشبیه

با توجه به نمودار فوق در می‌یابیم که توجه شاعر به امور محسوس، بسیار زیاد بوده و امور انتزاعی و ذهنی را به صورت اندک در تصاویر شعری اش به کار گرفته است؛ بنابراین بسامد بالای تشبیهات حسی به حسی یکی از جنبه‌های هنری اثر محسوب می‌شود

که شاعر از آن استفاده کرده و به وسیله آن تصاویر تشبیهی خود را به مخاطب انتقال می دهد. دلیل آن که شاعر در ترسیم بیشتر تشبیهات خود عناصر محسوس را به کار می گیرد این است که این عناصر تشبیهی متناسب با شعر حماسی او می باشد که بوسیلهی این امور، تصاویر خود را دسترس خوانندگان قرار می دهد.

۴-۳-۱- عناصر تشکیل دهنده تصاویر تشبیهی

بولس سلامه به عنوان یک ادیب و شاعر، مانند هر ادیب دیگر برای سرودن اشعار خود، از عناصر متعددی بهره می برد از جمله این عناصر: عناصر طبیعی برگرفته شده از طبیعتی که برای همه محسوس و مشهود است و درک و فهم آن نیاز به علم یا فرهنگ خاصی ندارد و نیز مربوط به یک زمان و مکان خاصی نمی باشد و چون آدمی، طبیعت را به خوبی می شناسد و با آن سازگار است؛ از این رو فهم این گونه تشبیهات برای بشر، سهل و آسان است. شاعر از عناصر طبیعت به عنوان آیینهای برای نشان دادن مسائل و اندیشه ها و تخیلات و حالات روحی خود بهره می برد و با آوردن این عناصر به عنوان مشبه به، به ترسیم و همچنین تجسم اندیشه ها و تخیلات خود می پردازد تا آن را در شکلی ملموس به مخاطب عرضه کند.

۴-۳-۲- حیوانات

حضور حیوانات با فراوانی بالا را می توان یکی از دلایل پویایی تصاویر تشبیهی در شعر شاعر دانست.

لا یموتُ الحسینُ الا هصوراً لن یموتَ الحسین موت الشاة

(همان)

در این بیت، شاعر برای ترسیم شهادت شجاعانهی امام حسین (ع) از عنصر حیوانی شیر استفاده کرده است. وی امام را در قدرت و شجاعت همچون شیری تصور می کند که با اقتدار می میرد.

یا در بیت دیگری امام سجاد (ع) را چنین به تصویر می کشد:

فإذا ماتَ اقفرَ الخدرُ من لی ثِ و بادت سلالَةُ الآساد

(همان)

در این قسمت می بینیم که شاعر علاوه بر تشبیه امام حسین (ع) به شیر، امام سجاد (ع) را نیز بسان شیر می داند که اگر بمیرد بیشه خالی از آن می شود؛ لذا شجاعت شیر را به کار برده تا بوسیله آن دلاوری های حضرت سجاد (ع) را ترسیم کند.

۴-۳-۳- عناصر انسانی

منظور از مصنوعات انسانی، عناصری هستند که شاعر، آن ها را از آدمی و افعال وی می گیرد.

هالکم منظرُ المیامینِ صرعی کسیوفٍ تَکسَّرت فی الجهاد

(همان)

وقتی در واقعه عاشورا یاران و خویشان امام، یکی پس از دیگری در راه حق شهید می شوند، شاعر پیکرهای به خون غلطیدهی شهدا را به شمشیرهایی تشبیه کرده که در نبرد شکسته و کند شده اند و دیگر نمی توان از آن ها به عنوان ابزار جنگی استفاده کرد؛

لذا شهدای این واقعه نیز بسان این ابزار جنگی خسته و بی‌رمق شده و دیگر توان مقابله با سپاه دشمن را ندارند. در این بیت مشاهده می‌کنیم که شاعر برای ترسیم مشبّه‌به، از مصنوعات انسانی؛ یعنی شمشیر استفاده کرده است.

در بیت زیر نیز با تصویر مبارزه امام حسین با دشمنانش روبرو هستیم:

فَارْتَدَى حَلَّةَ الْمَمَاتِ سِرَاوِيلاً يَمَانِيَّةً تَنَاهَتْ رَوَاءَ

(همان)

شاعر در این بیت، مرگ را به لباسی تشبیه می‌کند که امام حسین آن را بر تن کرده است. وی معتقد است همانگونه که لباس، جسم انسان را می‌پوشاند، مرگ را نیز همچون لباس تجسیم می‌کند که بر وجود مادی بشر پوشانده می‌شود؛ لذا می‌بینیم شاعر از طریق این لفظ (لباس) که توسط انسان دوخته یا بافته می‌شود برای تشبیه خویش استفاده می‌کند.

۴-۳-۴- گل و گیاه

این عناصر نیز که زیر مجموعه عناصر طبیعی به شمار می‌روند در تصاویر تشبیهی شاعر، کاربرد فراوانی دارند و شاعر از طریق ذوق سلیم و احساس نرم و لطیف، این عنصر را در تشبیهات خویش به کار گرفته است تا با این شیوه افکار و ذهن مخاطب را به سمت طبیعت و زیبایی‌های آن هدایت کند.

شاعر می‌گوید:

يَا شَفَارُ السَّيْفِ رَفَقًا بَعْدَلٍ لَّهْ يَغْتَرُّ وَرْدَةً بِيضَاءَ

(همان)

در این بیت برای توصیف زیبایی و پاکی عبدالله بن حسن به عنصر گل پناه برده است؛ بنابراین می‌بینیم بوسیله صنعت تشخیص شمشیر را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد تا با آن حضرت که در زیبایی و پاکی و همچنین طراوت، مانند گل سفید و درخشان هست به خوبی رفتار کند.

یا در بیت دیگری می‌گوید:

أَيُّ طِفْلٍ؟ كَأَنَّهُ الْوَرْدَةُ الْحَمْرَاءُ جَفَّتْ، لَمْ تَشْرَبِ الْأَنْدَاءَ

(همان)

در این بیت، برای ترسیم شهادت حضرت علی اصغر از عنصر گل که بهترین مثال بر زیبایی و طراوت و عشق و مهربانی ایشان است بهره می‌برد؛ البته نه تنها در این بیت، بلکه در اکثر ابیات مربوط به حضرت علی اصغر به عنصر گل و گیاه پناه می‌برد؛ گویی جز گل، چیزی نمی‌تواند زیبایی آن حضرت را به مخاطب انتقال دهد؛ شاید به این دلیل که گل هم زیباست، هم طراوت دارد و هم چنین عمری کوتاه دارد. شاعر در جای جای اشعارش وقتی می‌خواهد از پاکی و زیبایی شخصی صحبت کند ناخودآگاه به عنصر گل پناه می‌برد.

۳-۵-۴- افلاک و نجوم

این عناصر نیز از دیگر عناصری هستند که از طبیعت گرفته شده اند و شاعران و ادیبان در متون ادبی و شعری خود آن ها را به صورت فراوان به کار می برند و از طریق آن به تصاویر خود روح و جان می بخشند.

شاعر در بیت زیر چنین می سرايد:

دمک السمع يا حسينُ ضياءً في الدياجيرِ يُلهمُ الشعراء

(همان)

شاعر در توصیف خون امام حسين، آن را به نوری در تاریکی ها تشبیه کرده است؛ نوری که تاریکی و ظلمت را از زمین می گیرد. امام نیز مانند نور آسمان است که با پرتو هدایت های خویش، تاریکی ها را می زداید و آدمیان را به راه راست هدایت می کند. در این بیت، شاهد آن هستیم که شاعر برای توصیف امام، عنصر افلاک و نجوم را به کار برده است.

هم چنین شاعر در توصیف دنیا چنین تصویری را ارائه می دهد:

إنَّ هذی الدنیا سحابةٌ صیفٍ و متی کانتِ الغیومُ قرا را

(همان)

شاعر در این بیت برای توصیف ناپایداری دنیا عنصر افلاک و نجوم را به کار برده و می گوید « این دنیا همانند ابر تابستانی است که پایداری از او انتظار نمی رود.

۳-۶-۴- اماکن طبیعی

منظور از اماکن طبیعی، مکان های زیبایی هست که به دست خالق هستی ایجاد شده؛ مانند کوه و دریا و ... با اینکه در اشعار مورد بررسی، این عناصر زیاد به چشم نمی خورد، با این حال باز هم ابیاتی پیدا می شوند که گویای توجه شاعر به این اماکن می باشد.

برای مثال:

«حَمَلَتْهُ السَّنُونُ هَيْبَةً طَوْدٍ لبسَ الثَّلَجِ فی ربیع الوادی

(همان)

شاعر در این بخش، هیبت و عظمت امام حسین را به تصویر می کشد؛ بنابراین وی را به کوهی تشبیه می کند که با عظمت و در دین خویش ثابت قدم است.

یا در بیت دیگری می گوید:

حسبته العیونُ نفثهً برکانٍ تبدت شرارةً سوداء

(همان)

در بیت فوق هنگامی که شاعر قصد دارد تیرهای پخش شده در میدان جنگ را به تصویر بکشد، آن ها را به شراره سیاه که از آتشفشان می ریزد تشبیه کرده است؛ لذا آتشفشان یکی از عناصرِ اماکنِ طبیعی محسوب می شود.

۳-۷-۴- عنصر دینی

عناصر دینی عناصری هستند که از کتب آسمانی مثل تورات، انجیل و قرآن و همچنین از هر چیز مربوط به دین اخذ می شود و شاعر توسط این عناصر که در ذهنش موجود است برای مشبه خود، تشبیه می آورد. با وجود اینکه شاعر در این اشعار از عناصر دینی، کمترین بهره را برده است، ولی چند بیت در بین ابیات وی به چشم می خورد که نشان دهنده اهتمام شاعر به عناصر دینی می باشد و ممکن است که دلیل استفاده اندک وی از این نوع عناصر، اقتضای شعری او باشد. لازم به ذکر است با وجود مسیحی بودن، ایشان از عناصر دینی مسیحی در اشعارش استفاده نکرده است.

در این مورد می بینیم که شاعر در ابیات زیر می گوید:

ضارباً بالقضیبِ رأسِ حسینِ	وفماً کانَ مشرقاً للسداد
قبلةً للعقولِ إذ تجذبُ الا	بابُ أو تبتغی سبیلَ رشاد

(همان)

شاعر در این قسمت سر مبارک امام حسین را بعد از شهادت آن حضرت، همچون قبله ای ترسیم می کند که در راه حق بریده شده و چونان قبله، صراط مستقیم را به کسی که در پی رشد معنوی هست، نشان می دهد.

و در نمونه دیگر از ابیات شاعر می بینیم که می گوید:

خابُ فالُ النکسِ الکذوبِ سیحیا	و یكونُ المنارُ للسیجاد
--------------------------------	-------------------------

(همان)

امام سجاد (ع) را به چراغ هدایت تشبیه کرده است، در متون دینی، کاربرد چراغ هدایت بسیار زیاد است و دلیل آن روشنگری های امام سجاد می باشد؛ لذا در بیت مذکور، شاعر، امام سجاد را به جهت سجده ها و نمازهای فراوان ایشان، به عنوان چراغ هدایتی برای ساجدین آینده معرفی می کند.

در این قسمت با ارائه نمودار به فراوانی عناصر تشبیهی در اشعار مورد پژوهش می پردازیم:



نمودار شماره (۳)

(فراوانی عناصر تشبیهی)

با توجه به نمودار بالا شاعر در بین عناصر از عنصر مصنوعات انسانی استفاده فراوانی برده است و این نشانگر برون‌گرایی شاعر می باشد، چرا که استفاده از این عناصر، نشان دهنده ارتباط شاعر با جامعه و محیط اطرافش است و این موضوع، گویای توجه شاعر به انسان و ساخته های دست بشری می باشد، البته می توان این مسأله را اقتضای شغلی شاعر نیز دانست. پس از عناصر انسانی، فراوانی عناصر حیوانی از بسامد بالایی برخوردار است که آن را می توان بخاطر موضوع حماسی اثر دانست. به کار گیری افلاک و نجوم نیز بیانگر ارتباط شاعر با طبیعت است. گل و گیاه و درختان نیز عناصری هستند که شاعر در تصاویر تشبیهی خود از آنها بهره برده و این بیانگر محیط سرسبز زندگی شاعر می باشد. اما حضور اندک عناصر دینی در تشبیهات شاعر را می توان به خاطر مذهب شاعر دانست که در مباحث اسلامی نخواست تا از عناصر دینی خویش استفاده کند؛ چرا که مخاطبان وی اکثرا مسلمانان هستند. البته عدم آشنایی کامل شاعر را نیز شاید بتوان دلیلی برای بهره مندی اندک وی از عناصر اسلامی دانست.

نتیجه گیری :

بولس سلامه، مولف کتاب ملحمه الغدير، به عنوان یک شاعر مسیحی، قبل از سرودن اشعار این کتاب، ابتدا منابع معتبر تاریخی را مطالعه کرده است، سپس اشعار را طبق اسناد تاریخی معتبر به نظم کشیده است. در مورد سرودن این اشعار طبق منابع تاریخی، می توان گفت که شاعر در انتقال حقایق تاریخی بسیار امانت دار بوده است. همچنین در جای جای اشعار شاعر در مورد امام حسین (ع) که موضوع پژوهش می باشد، محبت و ارادت شاعر به آن حضرت نمایان است که نشانگر دلبستگی و عشق شاعر به امام است. بولس سلامه در این اشعار به عنوان یک ملحمه به توصیف نبردها و چگونگی جنگیدن قهرمانان و شهادت ایشان و وصف ابزار جنگی و اسب و.... پرداخته است.

در این پژوهش که به تبیین و دسته بندی تصاویر تشبیهی پرداخته شده است نتایج ذیل به دست آمد:

- ۱- بولس سلامه به بهترین وجه توانسته از تصاویر تشبیهی در اشعارش استفاده کند تا بدین وسیله تاثیر کلام خود را در انتقال حوادث تاریخی به مخاطب بیشتر کند تا در اذهان بهتر جا گیرد.
 - ۲- در بین تصاویر تشبیهی، تشبیه بلیغ در مقایسه با انواع دیگر تشبیهات، از بسامد بالایی برخوردار است. شاعر از طریق این نوع تشبیه، خواسته است فاصله بین مشبه و مشبه به را از بین ببرد و هر دو را عین هم به مخاطب خود انتقال دهد.
 - ۳- توجه شاعر به همه انواع تشبیه (بلیغ، موکد، تام، مجمل، جمع، ضمنی، مرکب) در ترسیم تصاویر شعری خود، بیانگر هنرمندی وی می باشد.
 - ۴- در بین عناصری که شاعر در تشبیهات خود آن ها را به کار برده است، عناصر انسانی نسبت به دیگر عناصر از بسامد بسیار بالایی برخوردار است که نشانگر توجه و ارتباط شاعر با این عناصر می باشد.
 - ۵- در مورد عناصر طرفین تشبیه بر اساس معقول و محسوس بودن، شاعر از تشبیه عناصر محسوس به محسوس در تصاویر خود بیشترین بهره را برده است که توجه وی به این نوع تشبیهات بیانگر برون گرایی شاعر می باشد.
- برای مخاطبان و محققین پیشنهاد می شود مطالعات مشابهی در زمینه دیگر اشعار و آثار ادبی بولس سلامه صورت گیرد تا بتوانند به درک جامع تری از حوزه های موضوعی و سبک ادبی او رسید. و همچنین با مطالعه و مقایسه ای بین اشعار سلامه با سایر شاعران معاصر عرب که در باره امام حسین و کربلا نوشته اند، انجام شود. این کار می تواند تفاوت ها و شباهت های موجود در تصویرپردازی و استفاده از تشبیهات را روشن کند. به ویژه به تحقیق درباره تأثیرات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خاص که ممکن است بر اشعار بولس سلامه و رویکرد او به موضوع امام حسین (ع) و کربلا داشته باشد مورد بررسی و تفحص قرار دهند. علاوه بر موارد مذکور از جهت تطبیق و بررسی اشعار بولس سلامه و شاعران فارسی زبان به موضوع امام حسین و عاشورا پرداخته، و درک مشترکات و تفاوت های فرهنگی و زبانی را تسهیل نمایند.

منابع:

- ابن رشیق، ابوعلی حسن، ۱۴۱۶ق، العمدة فی محاسن الشعر آدابه و نقده، مکتب الهلال انطباعة و النشر الجارم، علی و أمین، ۱۳۸۹، مصطفی، البلاغة الواضحة، تهران، الهام
- بستانی، صبحی، ۱۹۸۶، الصورة الشعرية فی الكتابة الفنية، الاصول و الفروع، لبنان، دارالفکر اللبناني
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۰، بیان، تهران، انتشارات سخن
- سلامه، بولس، مآثر الإمام علی بن أبیطالب (ع) و الإمام الحسین (ع) فی وجدان بولس، لاتا
- فاضلی، محمد، ۱۳۷۶، دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة، ج ۲، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- شفیعی کدکنی، ۱۳۶۹، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات نیل
- عرفان، حسن، ۱۳۸۱، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ج ۲، نشر بلاغت قم
- داغر، یوسف اسعد، ۱۹۸۳، مصادر الدراسة الأدبية، بیروت، منشورات الجامعة اللبنانية



20th International Conference on
Language, Literature,
Culture and History Studies

Event Place: Tabriz, Iran

www.illconf.ir

بیستمین کنفرانس بین المللی



مقالات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ | گرجستان

20th international conference on Language, Literature, Culture and History Studies

بیستمین کنفرانس بین المللی

زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ

يعقوب، اميل بديع، ٢٠٠٤، معجم الشعراء منذ عصر النهضة، بيروت، دارالصادر

Imam Hossein and Karbala in the allegorical depictions of Boles Salameh

Narges Ansari

.Associate Professor, Imam Khomeini International University (R.A.), Humanities Verses, Arabic Literature Language, Qazvin, Iran

Rezadadjoyeskandar

Arabic Secretary, Har Tehran Education, District 19: Master of Arabic Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

fatemehyusufdekht

.Master of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, International University (RA), Qazvin, Iran

abstract

Poetic image is one of the most used terms in literary criticism and is one of the main topics of aesthetics in speech, which has attracted the attention of writers for a long time. This technique is considered a kind of literary creativity through which the poet and writer dissolves in objects and breathes his soul into them. Boles Salameh is a Lebanese Christian writer who has left various works. "Mahmah Al-Ghadir" is one of the famous works of this famous poet who has a special place in Arabic literature and committed literature. This work depicts the life of Ahl al-Bayt (AS) from the beginning to the end of the Karbala incident. The present essay examines the allegorical images related to Imam Hussain (AS) and the incident of Karbala in the poems of this poet in a descriptive-analytical way. The findings of the research show that there are few stanzas in this epic in which different types of images are not used; By using a poetic image (simile), the poet has created beauty and prominence in poetry, and beauty-creation has been one of the goals of the poet along with meaning-oriented. He has used his images not only for the purpose of conveying the meaning, but also for the beauty of his words. The statistical result of the research also indicates that the frequency of eloquent similes in his poetry is more than other similes, and perhaps the reason for this is to explore the audience's mind, because the mind does not notice it quickly, and for this reason, it has a greater impact on The audience leaves.

Key words: Imam Hossein (AS), Boles Salameh, allegorical images, Karbala